

۳- مصرف و تجارت جهانی روغنهای نباتی

مصرف روغنهای نباتی:
○○○○○○○○○○○○○○○○○○○○

کل مصرف جهانی انواع روغنهای نباتی طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ با متوسط نرخ رشد سالیانه ۳/۴ درصد از ۵۵/۵ میلیون تن به ۷۵ میلیون تن افزایش یافته است، طی همین مدت مصرف روغنهای نباتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری با نرخ رشد سالیانه ۲/۶ درصد از ۲۵/۸ میلیون تن به ۳۲/۵ میلیون تن و کشورهای در حال توسعه با متوسط نرخ رشد سالیانه ۵/۵ درصد از ۱۶/۴ میلیون تن به ۲۶/۶ میلیون تن افزایش یافته است. مصرف در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری نرخ رشدی تقریباً "دو برابر" نشان میدهد که عمدتاً ناشی از سطح پایین مصرف سرانه در این کشورها و تمایل به مصرف هرچه بیشتر روغنهای نباتی است. کشورهای پیشرفته سرمایه داری که در سال ۱۹۸۵ نزدیک به ۱۶/۵ درصد جمعیت جهان را در اختیار داشته اند، ۴۳/۵ درصد مصرف جهانی روغنهای نباتی را به خود اختصاص داده اند (اروپای غربی ۱۸/۴ درصد، آمریکا شمالی ۱۶/۴ درصد و سایر کشورهای پیشرفته ۸/۷ درصد). حال آنکه کشورهای در حال توسعه با بیش از ۵۴ درصد جمعیت جهانی تنها ۲۵/۳ درصد از مصرف جهانی را در اختیار داشتند که خود مبین پایین بودن مصرف سرانه روغنهای نباتی در این کشورها در مقایسه با کشورهای صنعتی است. این تفاوت فاحش در مورد کشورهای سوسیالیستی مانند چین بیشتر برچشم می خورد. این کشورها داشتن ۲۱/۵ درصد جمعیت جهانی در این سال تنها ۹

درصد مصرف جهانی را در اختیار داشته است. با مقایسه مصرف سرانسه در بعضی مناطق جهان تفاوت عمده ای را در مصرف روغنهای نباتی مشاهده می‌کنیم.

جدول شماره ۴- مصرف سرانه روغنهای نباتی در مناطق عمده مصرف در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵

واحد: کیلوگرم در سال

سال	منطقه	آمریکای شمالی	اروپای غربی	افریقا	آمریکای لاتین	خاور نزدیک	خاور دور	کشورهای سوسیالیستی اروپا	کشورهای سوسیالیستی آسیا
۱۹۷۷		۲۵	۳۱	۹/۲	۱۲/۱	۱۲/۲	۵/۵	۲۲/۲	۲/۹
۱۹۸۵		۲۷	۳۲	۹/۸	۱۵/۸	۱۶/۷	۸/۵	۲۲/۵	۵/۹

ماخذ: محاسبات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

مصرف سرانه در ایالات متحده عیا ۷ برابر چین و ۳ برابر اکثر کشورهای در حال توسعه است. (۱) در این کشور با توجه به امکانات بالقوه تولید دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی، مصرف روغنهای نباتی در سطحی بالاتر از سطح اشباع (۳۰ کیلوگرم) صورت میگیرد. حال آنکه در کشورهای در حال توسعه عدم امکانات تولید روغنهای نباتی، افزایش جمعیت روبه رشد و محدودیت ناشی از کمبود درآمدهای ارزی، پائین بودن سطح مصرف سرانه را موجب میشود. این مسئله در مورد کشورهای مختلف به طرق گوناگون

(۱) - مصرف سرانه روغن نباتی در ایالات متحده ۴۲ کیلوگرم در سال ۱۹۸۷ می باشد و در همین سال مصرف سرانه روغن در چین ۵/۸ کیلوگرم در سال است.

دیده میشود .

دربین کشورهای در حال توسعه، کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه که درآمدهای ارزی قابل توجهی از فروش نفت دارند سطح بالاتری از مصرف سرانه روغنهای نباتی بچشم می‌خورد، حال آنکه در کشورهای یوچون بنگلادش، اتیوپی و دیگر کشورهای فقیر در حال توسعه عدم دسترسی به درآمدهای ارزی و کمبود منابع جایگزین واردات موجب شده که میزان مصرف سرانه حتی از استاندار تغذیه‌ای (۵ کیلوگرم در سال) پائین تر باشد. مصرف سرانه اتیوپی ۴/۴ کیلوگرم و بنگلادش ۷/۲ کیلوگرم در سال است. قابل ذکر است در کشورهای در حال توسعه کمبود امکانات دسترسی به چربیهای حیوانی و سایر جایگزینها بدلیل پائین بودن قدرت خرید موجب شده که روغن نباتی تنها منبع تامین کالری حاصل از چربیها باشد. در حالیکه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری سهم روغنهای نباتی در تامین انرژی حاصله حدود ۶۰ درصد می‌باشد و بقیه از سایر منابع تامین میشود. البته باید متذکر شد که مصرف سرانه به شرایط آب و هوایی و عادات تغذیه‌ای نیز بستگی دارد، مثلاً مصرف سرانه مناطق سردسیر بیشتر از مناطق گرمسیری است. در سال ۱۹۸۶ مصرف کنندگان عمده روغنهای نباتی در جهان عبارت بودند از ایالات متحده (۳/۱۳ درصد)، اروپای غربی (۳/۱۸ درصد)، شوروی (۹/۸ درصد)، چین (۳/۱۱ درصد)، هند (۵/۷ درصد)، برزیل (۶/۳ درصد) و اندونزی و پاکستان (۲ درصد) و ایران (۸/۵ درصد). دیده میشود که الگوی مصرف منطقه‌ای تابعی از الگوی تولید داخلی است. مثلاً در ایالات متحده به عنوان عمده‌ترین تولیدکننده روغن سویا بیش از ۸۰ درصد مصرف داخلی اش را روغن سویا تشکیل میدهد. با توجه به بالا بودن سهم واردات در مصرف روغن نباتی کشورهای در حال توسعه درآمدهای ارزی عامل تعیین کننده سطوح مصرف روغن نباتی در این کشورهاست .

در بین روغنهای نباتی بالاترین سهم در مصرف به روغن سویا
 تعلق دارد. در سال ۱۹۸۷ حدود ۲۱ درصد مصرف جهانی به روغن سویا تعلق
 داشته و پس از آن روغن نخل (۱۳ درصد) روغن آفتابگردان و کلم روغنی
 (۲۰ درصد)، روغن پنبه دانه ۴/۸ درصد و روغنهای بادام زمینی، نارگیل، هسته
 نخل از دیگر روغنهای مصرفی هستند.

افزایش قابل توجهی در مصرف جهانی روغنهای نخل، آفتابگردان،
 کلم روغنی و هسته نخل در سالهای اخیر مشاهده میشود که عمدتاً ناشی از
 افزایش عرضه این محصولات و گرایش به مصرف آنها در کشورهای پرجمعیت
 مصرفکننده روغنهای نباتی است. پرداخت سوئیس به تولیدکنندگان و
 مصرفکنندگان روغنهای کلم روغنی و آفتابگردان در جامعه اقتصادی
 اروپا موجب افزایش سهم این دو قلم در مصرف جهانی از ۱۶ درصد در سال ۱۹۸۲
 به ۲۰ درصد در سال ۱۹۸۷ شده است.

بزرگترین مصرفکنندگان روغنهای نباتی بر حسب انواع روغنها
 در سال ۱۹۸۷ به شرح زیر بوده اند:

مصرفکنندگان روغن سویا: ایالات متحده (۳۱/۶٪)، برزیل
 (۱۲٪)، چین (۷/۵٪)، اروپای غربی (۱۱/۵٪)، ژاپن (۴/۳٪)، شوروی
 (۲/۹٪)، هند، پاکستان، ایران.

مصرفکنندگان روغن نخل نیز در بین کشورهای هند (۱۱/۶٪)،
 اندونزی (۹/۸٪)، نیجریه (۶/۳٪)، پاکستان (۶/۲٪)، مالزی، انگلستان،
 ایالات متحده و شوروی گسترش یافته است.

مصرفکنندگان عمده روغن آفتابگردان نیز عبارت بودند از
 شوروی (۲۷/۲٪)، چین (۵/۷٪)، ترکیه (۵/۱٪)، فرانسه (۴/۸٪)، هند،
 آرژانتین، مکزیک و مصر.

در این سال مصرف‌کنندگان عمده روغن کلم روغنی عبارت بودند از: چین (۲۷/۷٪)، هند (۱۵/۱٪)، ژاپن (۸/۷٪)، انگلستان (۵/۶٪)، آلمان غربی، لهستان، هلند، مراکش و مکزیک و عمده مصرف‌کنندگان روغن بادام زمینی چین (۴۰/۲٪)، هند (۲۴/۸٪)، برمه (۴/۴٪) و فرانسه و ایالات متحده می‌باشند.

از عوامل موثر در میزان مصرف روغنهای نباتی می‌توان از عواملی نظیر قیمت روغن نباتی در مقایسه با سایر جایگزینها، درآمدقابل تصرف و توزیع درآمد، الگوی مصرف، جمعیت و... نام برد. افزایش شدید قیمت روغنهای نباتی در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۴، از عوامل کاهش مصرف این محصولات در جهان بوده، در حالی که کاهش قیمت‌ها در سالهای ۱۹۸۶ (محرک افزایش مصرف در کشورهای عمده واردکننده بوده است).

در بازار داخلی نیز اولویت نوع روغن مصرفی با روغن ارزانتر است. با توجه به ضریب همبستگی ۰/۸۵ بین مصرف روغنهای نباتی و درآمد در کشورهای در حال توسعه می‌توان گفت بهبود وضعیت اقتصاد و افزایش درآمد قابل تصرف در این کشورها از عوامل تعیین‌کننده مصرف روغن نباتی در این کشورهاست و بالاتر رفتن درآمد سرانه موجب افزایش مصرف روغن نباتی تا حد مصرف اشباع شده می‌باشد. امکان دستیابی به عرضه داخلی و عایدات ارزی میزان رشد جمعیت، ترکیب سنی جمعیت و ترجیحات مصرف‌کنندگان، سیاستهای تشویقی و تهدیدی کشورهای در زمینه تجارت روغنهای نباتی از دیگر عوامل موثر بر سطح مصرف است.

تجارت جهانی دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی

واردات دانه‌های روغنی در جهان

واردات دانه‌های روغنی در جهان در طول سالهای ۱۹۷۷-۱۹۸۶ با متوسط نرخ رشد سالیانه ۴/۴ درصد از حدود ۲۵ میلیون تن به ۳۸/۷ میلیون تن افزایش یافته است. در همین مدت واردات جهانی دانه سویا از ۳/۸ درصد، آفتابگردان از ۱۰/۲ درصد و کلم روغنی از ۱۱/۷ درصد در مدت متوسط سالانه سه بر خوردار بوده اند در حالیکه واردات سایر دانه‌های روغنی نظیر بادام زمینی، پنبه دانه، کنجد، کرچک با افزایش کمتری مواجه بوده اند. واردات مغز نارگیل، بزرک و هسته نخل با رکود مواجه بوده است. با توجه به سهم سویا در واردات جهانی دانه‌های روغنی که بین ۷۴ درصد تا ۸۰ درصد در نوسان است مشاهده می‌کنیم که نوسانات واردات دانه‌های روغنی در جهان تابع تقاضای وارداتی سویا در کشورهای عمده واردکننده است. واردات سویا به استثنای سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ که تولید سویا در کشور آمریکا به عنوان بزرگترین صادرکننده کاهش می‌یابد، همواره روند افزایشی داشته است. در این سالها کاهش مصرف کنجاله سویا در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از دیگر عوامل رکود تقاضای وارداتی سویا است. کاهش شدید قیمت سویا بویژه در سال ۱۹۸۶ محرک افزایش واردات سویا در کشورهای عمده مصرف‌کننده بوده است.

واردات آفتابگردان و کلم روغنی به ترتیب ۱۲/۶ درصد و ۵ درصد از واردات جهانی دانه‌های روغنی را به خود اختصاص می‌دهند. افزایش مصرف روغنهای آفتابگردان و کلم روغنی سبب افزایش قابل توجه سهم واردات دانه‌های آفتابگردان و کلم روغنی بویژه در ژاپن و

اروپای غربی شده است. کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بیش از ۷۰ درصد واردات دانه‌های روغنی را به خود اختصاص می‌دهند. در این کشورها بالا بودن مصرف کنجاله‌های روغنی و روغنهای نباتی، عدم کفایت تولید داخلی موادم (دانه‌های روغنی)، برخورداری از مزیت قیمت دانه‌های روغنی در مقایسه با روغنهای نباتی و فعال کردن صنایع روغنکشی و صنایع-جانمایی، واردات هرچه بیشتر این محصولات را در پی داشته است. این کشورها عمدتاً "اقدام به واردات موادم و صادرات محصولات واسطه‌ئی (کنجاله‌ها و روغنهای خام) و محصولات نهائی (روغن‌ها و سایر فرآورده‌های جانمایی) می‌نمایند. در فاصله سالهای ۸۵-۹۷۷ سهم کشورهای در حال توسعه در واردات دانه‌های روغنی از ۹/۵ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافته است که عمدتاً "ناشی از افزایش واردات دانه سویا در این کشورها می‌باشند. عواملی چون افزایش ظرفیت پردازش دانه‌های روغنی در این کشورها و افزایش یکپارچه‌سازی صنایع سرانه روغنهای نباتی و تغییر سیاستها در جهت واردات موادم به جای کالاهای ساخته شده در این تغییرگرایش موثر بوده است. بزرگترین واردکنندگان سویا عبارت بوده اند از: جامعه اقتصادی اروپا، چین، ژاپن، شوروی، تایوان و کره جنوبی. در تمام این کشورها واردات سویا در ده سال اخیر رشد چشمگیری پیدا کرده است. واردات دانه آفتابگردان در جامعه اقتصادی اروپا، مکزیک و بلغارستان متمرکز است. در حالیکه واردات کلم روغنی بیشتر در کشورهای ژاپن، جامعه اقتصادی اروپا و مکزیک صورت می‌گیرد. کشورهای عمده واردکننده بادام زمینی نیز هلند، انگلستان، کانادا، شوروی، فرانسه و هنگ کنگ می‌باشند.

واردات روغن های نباتی

oooooooooooooooooooooooooooo

در فاصله سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ واردات روغنهای نباتی با متوسط نرخ رشد سالانه ۵ درصد از ۱۶ میلیون تن به ۲۵ میلیون تن افزایش یافته است. از لحاظ ارزش، کل واردات دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی در بازار جهانی از ۱۳/۷ میلیارد دلار به بیش از ۲۲/۱ میلیارد دلار افزایش داشته است. بالاترین سهم در ارزش وارداتی محصولات به کشورهای واردکننده پیشرفته سرمایه‌داری تعلق دارد که در سال ۱۹۸۴ در حدود ۱۲/۷ میلیارد دلار صرف خرید دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی نموده‌اند در حالی که هزینه‌های وارداتی کشورهای در حال توسعه و سوسیالیستی به ترتیب ۸ میلیارد دلار و ۱/۴ میلیارد دلار بوده است.

در سال ۱۹۸۴ در بین کشورهای جهان آلمان فدرال ۲ میلیارد دلار، ژاپن ۲/۴ میلیارد دلار، فرانسه یک میلیارد دلار و کشورهای آسیایی ۴/۸ میلیارد دلار صرف خرید دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی کرده‌اند.

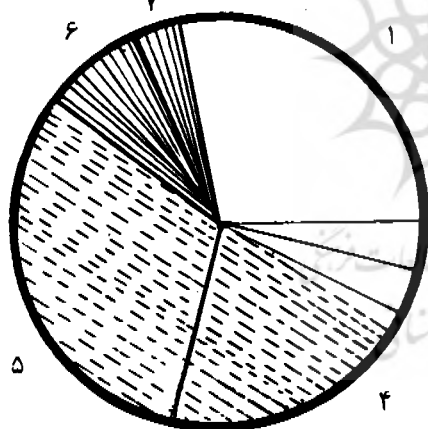
روند افزایشی واردات در تمام طول دوره ۸۵-۱۹۷۷ دیده میشود. در این مدت واردات روغن سویا، روغن نخل، روغن آفتابگردان و روغن هسته نخل افزایش قابل توجهی داشته است. در حالی که روغنهای بادام زمینی، پنبه دانه و نارگیل با زارهای خود را از دست داده‌اند.

در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۴ که قیمت جهانی انواع روغنهای نباتی افزایش می‌یابد واردات روغنهای نباتی کماکان به رشد خود ادامه میدهند. طی دوره مورد بررسی کشورهای اروپای غربی، هند، پاکستان، ایران، اتحاد جماهیر شوروی، مصر، الجزایر و عربستان سعودی و عراق... عاملین اصلی افزایش واردات روغنهای نباتی در جهان بوده‌اند. در سال ۱۹۸۵ کشورهای اروپای غربی بزرگترین واردکننده روغن در جهان

دربین کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بوده‌اند. در حالیکه کشورهای در حال توسعه با ۳۹ درصد واردات روغنهای نباتی پس از کشورهای پیشرفته قرار داشتند. در بین مناطق عمده مصرفی واردات روغنهای نباتی در کشور-های خاوردور (هند، پاکستان، کره جنوبی و بنگلادش) و خاور نزدیک (خاورمیانه و شمال آفریقا) بالاترین رشد را نشان میدهد. ولی سهم کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری طی دوره مورد بررسی با ایلالات متحده و کانادا کاهش داشته است، واردات کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی (به استثنای شوروی) با کاهش روبرو بوده است. میانگین رشد سالانه واردات در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در طول دوره بطور متوسط ۲/۷ درصد، در کشورهای در حال توسعه ۹ درصد و کشورهای سوسیالیستی ۵/۶ درصد بوده است.

نمودار شماره ۳ سهم کشورهای عمده واردکننده از واردات جهانی روغنهای

نباتی در سال ۱۹۸۶



۱- کشورهای جامعه اقتصادی اروپا
۲۹/۸ درصد (آلمان غربی ۵/۶ درصد)
هلند ۵/۸ درصد، انگلستان ۶ درصد،
فرانسه ۳/۴ درصد

۲- ایالات متحده آمریکا ۴/۶ درصد

۳- سایر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری ۴ درصد

۴- کشورهای عمده واردکننده در حال توسعه ۱۸/۹ درصد (هند ۶/۳ درصد، سنگاپور ۴ درصد، پاکستان و مصر هرکدام ۳/۲ درصد، ایران ۲/۲ درصد)

۵- سایر کشورهای در حال توسعه ۳۰/۷ درصد

۶- کشورهای عمده واردکننده سوسیالیستی (شوروی ۵ درصد، چین ۴/۱ درصد)

۷- سایر کشورهای سوسیالیستی ۲/۹ درصد

□ ۳۸/۴٪ = کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری

▨ ۴۹/۶٪ = کشورهای در حال توسعه

▨ ۱۲٪ = کشورهای سوسیالیستی

در سال ۱۹۸۶ در بین روغنهای نباتی با لاترین سهم در بازارهای جهانی به روغن نخل تعلق داشته است. با نگاهی به تغییرات سهم انواع روغنهای نباتی در واردات جهانی روغنهای مذکور دیده میشود. جدول شماره ۵- سهم انواع روغنهای نباتی در واردات جهانی سالهای

۱۹۸۶ و ۱۹۷۷

بر حسب : درصد

سال	روغن نخل	روغن سویا	روغن آفتابگردان	روغن کلم روغنی	نارگیل	روغن هسته نخل	روغن بادام زمینی	روغن پنبه دانه	سایر
۱۹۷۷	۲۷/۲	۲۷/۲	۶/۲	۶/۵	۱۲/۱	۲/۹	۶/۵	۴/۱	۷/۰
۱۹۸۶	۲۷/۵	۱۶/۱	۸/۲	۶/۸	۶/۲	۲/۸	۱/۵	۱/۱	۲۹/۸

ماخذ : محاسبات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

روغن های نخل، آفتابگردان و کلم روغنی موقعیت خود را در بازار جهانی روغنهای نباتی حفظ کرده یا آنرا ارتقا بخشیده اند در حالی که روغنهای سویا، نارگیل، بادام زمینی و پنبه دانه بشدت با فول در صحنه رقابت روغنهای نباتی مواجه بوده اند.

در سال ۱۹۸۶ عمده ترین بازارهای وارداتی روغن سویا عبارت بود ننداز چین (۱۲/۹٪)، ایران (۱۰/۸٪)، هند (۸/۳٪)، پاکستان (۶٪)، انگلستان (۴/۸٪) و شوروی (۴/۶٪)، در مراتب بعدی مراکش، سنگاپور و شیلی قرار دارند. افزایش مصرف سرانه در این گروه کشورها و عدم تکافوی تولید داخلی روغنهای نباتی در اکثر این کشورها تداوم فروش روغن سویا به این بازارها را در پی خواهد داشت.

دره‌مین سال بزرگترین بازاریهای فروش روغن نخل عبارت بودند از: هند (۱۴٪)، سنگاپور (۱۰/۵٪)، پاکستان (۵/۹٪)، انگلستان (۴/۵٪)، شوروی (۴/۳٪)، عراق (۳/۷٪)، چین (۳/۶٪) و ایالات متحده (۳/۲٪). به طور کلی می‌توان گفت که واردات روغن نخل توسط اکثر کشورهای جهان و بویژه کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد. تداوم عرضه روغن نخل، برخورداری از قیمت‌های پائین تر در بازار جهانی نسبت به سایر روغنهای نباتی، تغییرات تکنولوژی و قابلیت مصرف خوراکی آن و همچنین اجرای سیاستهای بازاریابی دولت مالزی در پی دست یافتن به بازاریهای جدید فروش موجب شده که واردات ایسین محصول از افزایش چشمگیری بویژه در کشورهای پرجمعیت مصرف‌کننده چون چین، هند، پاکستان و شوروی برخوردار باشد.

عمده‌ترین بازاریهای روغن آفتابگردان در سال ۱۹۸۶ عبارت بودند از: شوروی (۱۶/۳٪)، مصر (۱۰/۶٪)، کوبا (۹/۴٪)، الجزایر (۷/۲٪)، آلمان غربی (۶/۷٪)، فرانسه، افریقای جنوبی، ونزوئلا، ایران، عراق و انگلستان.

قسمت اعظم واردات روغن کلم روغنی توسط کشورهای هند (۱۷/۸٪)، هلند (۷/۵٪)، الجزایر (۷/۲٪)، مراکش (۶/۷٪)، شوروی (۴/۵٪)، چین، سنگاپور، ایتالیا، تونس و انگلستان صورت می‌گیرد.

بزرگترین بازاریهای روغن نارگیل عبارتند از آلمان غربی، ایالات متحده آمریکا، هلند، فرانسه، سنگاپور، شوروی و ایتالیا. بطور کلی می‌توان گفت که بازاری عمده فروش روغن نارگیل در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری گسترده است و به همین لحاظ نقش تقاضای وارداتی این کشورها بر روی صادرات کشورهای در حال توسعه که عمده‌ترین صادرکنندگان این کالا هستند، بخواهی روشن است. بطوریکه وجود تبلیغات

علیه غیرخوراکی بودن روغن نارگیل در ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ اشدیدا^{۱۰} به بازار فروش و عایدات صادراتی دولت فیلیپین صدمه زد. با زارهای عمده روغن هسته^{۱۱} نخل در سال ۱۹۸۶ عبارت بودند از: ایالات متحده آمریکا (۲۳٪)، هلند (۱۴/۷٪)، آلمان فدرال (۱۱/۴٪)، انگلستان (۱۰/۸٪) و ژاپن، دانمارک و سنگاپور.

بدلیل استراتژیک بودن روغنهای نباتی واردات این کالا در کشورهای در حال توسعه عمدتا^{۱۲} از کال دولتی صورت میگیرد و توزیع آن نیز عمدتا^{۱۳} در دست بخش دولتی است. در این کشورها کمبودهای ارزی و تخصیص بهینه آن دخالت دولتها را در امر تجارت این محصول دربرداشته است. در این کشورها با توجه به پائین بودن مصرف سرانه روغنهای نباتی، رشد قابل توجه جمعیت و وجود سیاستهای نامناسب در جهت افزایش عرضه^{۱۴} داخلی روغنها و قیمت های نسبتا^{۱۵} پائین روغنها در بازارهای جهانی و واردات روغنهای نباتی بعنوان راه حلی جهت ارضای تقاضای مصرفی پذیرفته شده است، هرچند مشکلات ناشی از کمبود ارز و کاهش ارزش پولهای داخلی در مقابل تغییر ارزش دلار آمریکا بعنوان یک محدودیت عمده در راه افزایش واردات جلوه میکند. این گروه از کشورها از لحاظ سهم واردات در مصرف به ۳ گروه عمده تقسیم میشوند:

۱- کشورهایی که نرخ وابستگی بیشتر از ۷۰ درصد در واردات روغنهای نباتی دارند که در این گروه کشورهای عربستان سعودی (۱۰۰ درصد وابستگی)، کوبا (۱۰۰ درصد وابستگی)، الجزایر (۹۴ درصد وابستگی)، عراق (۹۵ درصد وابستگی)، ایران (۹۴ درصد وابستگی) قرار دارند. در کشوری چون عربستان سعودی نرخ بالای وابستگی ناشی از فقدان مواد اولیه (دانه های روغنی) است. حال آنکه در کشورهای چون الجزایر، ایران و عراق افزایش درآمد های ناشی از صادرات نفت و افزایش مصرف

روغنهای نباتی و پائین بودن میزان تولید سبب افزایش واردات روغنهای نباتی شده است .

۲- کشورهاییکه بیشتر از ۴ درصد و کمتر از ۷ درصد نرخ وابستگی به واردات دارند. کشورهای پاکستان ، ونزوئلا، مراکش و بنگلادش در این گروه قرار میگیرند. در پاکستان هزینه های واردات روغن نباتی در حدود ۵/۳ درصد از کل هزینه وارداتی را تشکیل میدهد. در اکثر این گروه از کشورهای وجود جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر و رشد سریع جمعیت (۲/۷ درصد متوسط سالانه) و فاصله زیاد بین مصرف سرانه واقعی و مصرف بهینه (بیشتر از ۱ کیلوگرم) و ناکافی بودن سرعت رشد تولید داخلی (۳ درصد کمتر از مصرف سالانه) نمایانگر تداوم وابستگی به واردات در مصرف است. برخورداری از امتیازات اعتباری و کمکهای غذایی در کشورهای پاکستان و بنگلادش و مراکش روند افزایش واردات را تداوم می بخشد .

۳- کشورهاییکه نرخ وابستگی ۴ درصد و کمتر دارند. نیجریه ، هند ، مکزیک و ترکیه در این گروه از کشورهای قرار دارند که از عمده ترین تولیدکنندگان روغنهای نباتی در کشورهای در حال توسعه اند اما عدم تکافوی تولید داخلی سبب گرایش به بازاری جهانی شده است. عمده ترین محدودیت در مورد افزایش واردات در این کشورها همانند آردهای ارزی است. در هند واردات روغنها در ۱۰ سال اخیر از رشد بی سابقه ای برخوردار بوده است .

صادرات دانه های روغنی و روغنهای نباتی :

صادرات محصولات روغنی در طی دوره ۸۵-۹۷۷ اروندی سعودی

داشته است. در مورد دانه های روغنی کل مقدار صادر شده از ۲۵ میلیون

تن مربوط به ۱۹۷۷ به بیش از ۳۳/۶ میلیون تن در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است و در همین مدت صادرات روغنهای نباتی از ۱۱/۸ میلیون تن به بیش از ۱۸/۷ میلیون تن افزایش یافته است .

در بین دانه‌های روغنی، سویا سهم عمده را در تجارت جهانی ایفا می‌کند، که در طول دوره مورد بررسی نزدیک به ۸۰ درصد صادرات دانه‌های روغنی را به خود اختصاص داده است و پس از آن دانه کلم روغنی، دانسته آفتابگردان، بادام زمینی و مغزنا رگیل عمده‌ترین اقلام صادراتی هستند . در همین مدت سهم صادرات سویا از تولید جهانی آن بین ۲۵ درصد تا ۳۳ درصد در نوسان بوده است که خود مبین آنست که تولید منظور تجارت در کشورهای عمده صادرکننده (ایالات متحده) از اولویت خاصی برخوردار است . سهم صادرات پنبه دانه از تولید جهانی این فرآورده کمترین میزان است که نقش خود مصرفی پنبه دانه در کشورهای عمده تولیدکننده را نشان می‌دهد .

از لحاظ ارزش ، صادرات جهانی دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی به بیش از ۲۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ بالغ گردیده است . صادرات جهانی دانه‌های روغنی از ۶/۲ میلیارد دلار مربوط به سال ۱۹۷۷ به ۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته ، در حالی که صادرات روغنهای نباتی از ۸/۵ میلیارد دلار به ۱۵/۵ میلیارد دلار افزایش یافته است . در سال ۱۹۸۴ صادرات روغنهای نباتی در حدود ۵/۵ درصد صادرات جهانی کسالایی را شامل شده است .

در همین مدت کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری (ایالات متحده ، کانادا و فرانسه) نزدیک به ۷۰ درصد ارزش صادراتی دانه‌های روغنی را در اختیار داشته‌اند و عایدات صادراتی این کشورها در سال ۱۹۸۵ بالغ بر

* اختلاف ارقام صادرات جهانی ناشی از استفاده از منابع مختلف و تجدید نظر در ارقام است .

۵/۸ میلیارد دلار می‌باشد، در مورد عایدات ناشی از صدور روغنهای نباتی کشورهای پیشرفته ۸/۸ میلیارد دلار یا ۵۶ درصد از کل درآمدها را در سال ۱۹۸۵ به خود اختصاص داده‌اند هرچند این میزان تنها ۱/۱ درصد از کل ارزش صادرات کالایی این کشورها را شامل می‌شود.

سهم کشورهای در حال توسعه در صادرات دانه‌های روغنی از ۲۷ درصد سال ۱۹۷۷ به ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته، در حالی که سهم این کشورها از صادرات روغنهای نباتی از ۲۹ درصد به ۳۹ درصد افزایش داشته است. کاهش سهم صادرات در مورد دانه‌های روغنی عمدتاً "به جهت ایجاد ارزش افزوده ناشی از صدور کالاهای ساخته شده (روغن و کنجاله) به جای دانه‌های روغنی است، افزایش ظرفیت پردازش کارخانه‌های روغنکشی و کاهش قیمت دانه‌های روغنی در سالهای اخیر از دیگر عوامل موثر بر این تغییرگرایی است. کل درآمدها در صادراتی محصولات روغنی در کشورهای در حال توسعه ۱۴/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ است که سهم صادرات روغنهای نباتی در کل صادرات کالایی این کشورها ۴/۳ درصد در سال ۱۹۸۴ بوده است.

کشورهای مالزی، آرژانتین، برزیل، اندونزی و فیلیپین عمده‌ترین صادرکنندگان این محصولات در این گروه از کشورها می‌باشند. مالزی و برزیل به تنهایی ۸۰ درصد صادرات روغنهای نباتی کشورهای در حال توسعه را در اختیار دارند اما عایدات ناشی از صدور این محصولات تنها ۱۲/۹ درصد و ۳ درصد درآمدهای ارزی آنها را شامل می‌شود. در مورد روغنهای نباتی عمده‌ترین اقلام صادراتی در سال ۱۹۸۶ عبارت بودند از روغن‌های نخل، سویا، آفتابگردان، کلم روغنی، نارگیل و زیتون. ملاحظه می‌شود سهم روغن سویا، آفتابگردان، بادام زمینی، نارگیل و پنبه دانه در بازارهای عمده‌گاش یافته است. در حالی که صادرات روغن نخل و

جدول شماره ۶- سهم انواع روغن‌ها در صادرات جهانی در سالهای ۱۹۷۷ و

۱۹۸۶

بر حسب درصد

سال	روغن سویا	روغن نخل	روغن آفتابگردان	روغن اقلام روسی	روغن نارگیل	روغن هسته نخل	روغن بادام زمینی	روغن پنبه دانه	سایر
۱۹۷۷	۲۷/۲	۱۶/۵	۶/۶	۶/۹	۱۳/۳	۳	۷/۱	۲/۲	۶/۲
۱۹۸۶	۱۶/۲	۲۷/۲	۶/۲	۷	۶/۲	۲/۸	۱/۵	۱	۲۱/۵

ماخذ: محاسبات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

کلم روغنی افزایش داشته است. کاهش نسبت صادرات به تولید در مورد روغن سویا، بادام زمینی، نارگیل و پنبه دانه در کشورهای عمده صادرکننده به جهت افزایش مصرف داخلی این اقلام می باشد. در حالیکه در مورد روغن کلم روغنی و روغن نخل تولید عمدتاً تجاری است و سهم مصرف داخلی نسبت به کل تولید در کشورهای عمده صادرکننده (کانادا - آلمان غربی و مالزی) بسیار پایین است. طی دوره تحت بررسی کشورهای ایالات متحده و اروپای غربی با کاهش کشورهای در حال توسعه ای چون برزیل، مالزی، اندونزی و آرژانتین با افزایش سهم خود در صادرات جهانی روبرو بوده اند. بزرگترین صادرکنندگان دانه های روغنی در سال ۱۹۸۶ عبارت بودند از ایالات متحده آمریکا ۵۶/۵ درصد (دانه سویا، آفتابگردان، بادام زمینی و پنبه دانه)، برزیل ۷/۷ درصد (سویا و پنبه دانه)، کانادا ۷/۶ درصد (کلم روغنی و بزرک)، چین ۶/۱ درصد (دانه سویا، بادام زمینی، پنبه دانه و کلم روغنی)، فرانسه ۵/۳ درصد (آفتابگردان و کلم روغنی)، آرژانتین ۴ درصد (سویا و آفتابگردان)، آلمان غربی، هلند، لهستان، مجارستان، دانمارک و فیلیپین. قابل ذکر است، که در برخی از این کشورها چون هلند،

آلمان غربی و سایر کشورهای اروپای غربی خالص صادرات اساساً "منفی" است و این کشورها عمدتاً "بصورت مراز صدور مجدد عمل می کنند، کشورهایی چون چین و فرانسه در سالهای اخیر به جرگه صادرکنندگان دانههای روغنی پیوسته اند.

بزرگترین صادرکنندگان روغنهای نباتی در سال ۱۹۸۶ نیز عبارت بودند از مالزی ۱/۶ درصد (روغن نخل)، جامعه اقتصادی اروپا ۲۶/۸ درصد، ایالات متحده ۹/۶ درصد (روغن سویا، روغن آفتابگردان، روغن ذرت و روغن پنبه دانه)، آرژانتین ۷/۵ درصد (روغن سویا و روغن آفتابگردان)، برزیل ۵ درصد (روغن سویا)، فیلیپین ۴/۷ درصد (روغن نارگیل)، اندونزی ۳/۲ درصد (روغن نارگیل و نخل) و سنگاپور ۳/۶ درصد (روغن نخل و نارگیل).^(۲)

از مهمترین عوامل اثر بر صادرات کشورهای می توان داشتن تولید مسازاد بر تقاضای داخلی، رقابتی بودن کالا، لزوم کیفیت و قیمت در سطح جهانی، آگاهی از تقاضای جهانی و بازاریابی صحیح و سیاستهای تحدیدی و تشویقی و سطح قیمت خرده فروشی در کشورهای واردکننده و صادرکننده و نوسانات نرخ برابری ارزها و میزبان ذخایر کالاهای نام برسد.

از عوامل موثر بر واردات در کشورهای عمده واردکننده ایسن اقلام، عدم امکان تولید و یا عدم کفایت تولید داخلی در مقایسه با مصرف می باشد. در مورد دانه های روغنی وجود تکنولوژی لازم برای پردازش دانه های روغنی و سرمایه گذاری و گسترش صنایع روغنکشی و نرخ برابری ارزها،

-
- (۱): این گروه از کشورهای عمدتاً "واردکننده روغنهای خام می باشند و بخشی از آنرا مجدداً "صادرمی کنند بزرگترین صادرکننده روغن در میان این کشورها آلمان غربی، هلند، فرانسه و اسپانیا می باشند.
- (۲): سنگاپور، بعنوان یکی از بزرگترین واردکنندگان روغنهای خام، این محصولات را پس از پردازش و تصفیه بصورت نهایی صادر میکند.

واحد : هزار تن

واردات روغنهای نباتی ۱۹۸۲ - ۸۷					واردات روغنهای نباتی ۱۹۸۲ - ۸۷					
کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	کلمه روغن	
آ	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	
۸۲۵	۱۵۱۰	۳۷۷۹	۴۲۷۶	۱۹۰۲۸	۸۵۳	۱۴۳۲	۳۵۸۶	۴۳۳۷	۱۸۷۹۰	۱۹۸۲
۱۰۰۷	۱۷۲۵	۳۹۵۷	۴۲۵۸	۱۹۴۷۲	۹۶۲	۱۷۴۰	۳۹۸۱	۴۳۸۰	۱۹۳۹۱	۱۹۸۳
۱۳۱۰	۱۸۲۲	۳۶۳۹	۵۶۴۰	۲۱۳۵۶	۱۲۹۲	۱۸۰۴	۳۷۵۴	۵۶۸۸	۲۱۳۱۰	۱۹۸۴
۱۳۶۱	۲۰۴۰	۳۰۹۵	۶۸۵۴	۲۳۴۹۵	۱۳۸۹	۲۰۹۷	۴۱۵۵	۶۷۸۴	۲۲۷۱۶	۱۹۸۵
۱۴۴۵	۱۹۸۳	۳۸۶۴	۶۴۴۰	۲۳۴۹۵	۱۵۹۴	۱۹۰۹	۳۲۶۷	۶۴۲۵	۲۳۳۰۲	۱۹۸۶
۱۷۵۳	۲۱۵۰	۳۹۷۹	۶۷۲۴	۲۴۰۵۱	۱۷۳۲	۲۱۴۰	۴۰۰۶	۶۷۳۵	۲۴۰۷۵	۱۹۸۷
۲۱۲	۱۴۲	۱۰۵/۲	۱۵۷	۱۲۶	۲۰۳	۱۴۹	۱۱۱	۱۵۹	۱۲۸	۱۹۸۷ ۱۹۸۲ = ۱۰۰

ISTA, Oil World Annual 1988.

ملاحظه :

سیاستهای تحدیدی و تشویقی در زمینه واردات دانه‌های روغنی و روغنهای
نیابتی مقایسه‌هزینه‌فرصت تولید داخلی در مقابل خرید از بازار جهانی
و میزان مصرف کنجاله‌های خوراک دام تعیین‌کننده میزان واردات است،
در حالیکه کم‌بها دادن به واردات دانه‌ها موجب گرایش به واردات روغنهای
نیابتی میشود.

منابع و مأخذ :
○○○○○○○○○○○○○○

۱- سعادت‌الاجوردی، ناصر، دانه‌های روغنی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

2-Ista, Oil World Weekly, issues.

3-Ista, Oil World Annual 1988.

4-FAO, Commodity Review and Outlook, 1977-87 (FAO Pub., Rome: 1987).

5-FAO, Production Yearbook, 1977-86, (FAO Pub., Rome: 1986).

6-USDA, World Supply and Demand Prospects for Oilseed and Oilseed Product in 1980 With Emphasis on Trade by Less Developed Countries, 1980.